

جستارهای زیبایی شناختی

دیوید هیوم

ترجمه محسن کرمی



نشر کرگدن

جستارهای زیبایی شناختی

این کتاب ترجمه‌ای است از:

“Of the Delicacy of Taste and Passion”, “Of Eloquence”, “Of the Rise and Progress of the Arts and Sciences”, “Of Simplicity and Refinement in Writing”, “Of Tragedy”, “Of the Standard of Taste”, “Of Refinement in the Arts”, “Of Essay-Writing”.

in: Hume, David. *Essays: Moral, Political and Literary*. ed. F., Miller, Eugene. New York: Cosimo, [1777] 2006.

-
- سرشناسه: کرمی، محسن، ۱۳۵۷ - گردآورنده، مترجم
عنوان و نام پدیدآور: جستارهای زیبایی‌شناختی / دیوید هیوم؛ ترجمه [و گردآوری] محسن کرمی.
مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک: 978-622-642066-2
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر برگزیده و ترجمه‌ای از یادداشت‌های دیوید هیوم درباره زیبایی‌شناسی است.
یادداشت: واژه‌نامه.
یادداشت: نمایه.
موضوع: هیوم، دیوید، ۱۷۱۱-۱۷۷۶ م. -- زیبایی‌شناسی
موضوع: Aesthetics -- 1711 - 1776 -- Hume, David
رده بندی کنگره: B۱۴۹۹
رده بندی دیویی: ۱۱۱/۸۵۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۲۴۴۷۱
-

جستارهای زیبایی شناختی

دیوید هیوم

ترجمه
محسن کرمی



نشر کردن



نشر کرگدن

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشر کرگدن: تهران، صندوق پستی ۱۷۱۶ - ۱۳۱۴۵

www.kargadanpub.com

[telegram.me/kargadanpub](https://t.me/kargadanpub)

[instagram.com/kargadan.pub](https://www.instagram.com/kargadan.pub)

مجموعه هنرشناسی - ۳

دبیر مجموعه: محسن کرمی

جستارهای زیبایی‌شناختی

نویسنده: دیوید هیوم

مترجم: محسن کرمی

ویراستار علمی: مصطفی ملکیان

ویراستار زبانی: پریا عباسی

ویراستار فنی: زهرا اسحق‌زاده

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: زعفران

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۲۰-۶۶-۲

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

به جانِ جاودانه جوانِ هیوم
و آن یقینِ بی‌امانش به شک‌ورزی

مترجم

یادداشت دبیر مجموعه

هنر چیست؟ چه نسبتی با زیبایی، به فراخ دامنه‌ترین معنای آن، دارد؟ آیا اصلاً می‌شود تعریفش کرد؟ خود این زیبایی چیست؟ کیفیت شیء است یا کیفیت نگرنده‌ی در شیء؟ کیفیت افسون‌کننده و فریبا است یا کیفیتی پیوسته با راستی و نیکی؟ آیا راز هنر در همین زیبایی است، یا، چنان که برخی مدعی شده‌اند، پای چیز دیگری در میان است؟ چه چیزی در هنر هست که پاره‌ای از ما را چنین شیفته و مسحور خود می‌سازد؟ چیست آن آن بیان‌ناشدنی که شوریدگان هنر در طلبش می‌سوزند و می‌گدازند؟ و چگونه است که همین هنر بر پاره‌ای دیگر از ما آدمیان کار نمی‌کند و اثر نمی‌نهد؟

آیا، به همان اندازه که سودانیان عالمش می‌گویند، هنر از ضروریات حیات انسانی است؟ یا، چنان که دیگرانی متعرض شده‌اند، از امور غیرضرور و تجملی زندگی است؟ ارزش هنر تا چه اندازه است و از کجا است؟ آیا ارزش هنر منحصر در وجه زیبایی‌شناختی آن است، یا این که می‌توان ارزش‌های دیگری - از جمله ارزش‌های اخلاقی، حقوقی، شعائری و مناسکی، مصلحت‌اندیشانه، و ناظر به عرف و عادات اجتماعی - را نیز به آن نسبت داد و، بر طبق این ارزش‌های دیگر، به نقد و ارزیابی‌اش نشست؟ پرسش دشوارتر این که: کدام قسم از این ارزش‌ها به اصطلاح ذاتی هنر اند و کدام عرضی آن؟ به بیان دیگر، هنر بودن هر اثر هنری به داشتن کدام قسم از این ارزش‌ها است؟ و پرسش ذهن‌سوزتر آن که: به وقت تعارض میان این ارزش‌ها در عالم هنر چه باید کرد؟

قدرت هنر - اگر قدرتی دارد - ناشی از چیست؟ برخی معتقد اند که در قدرت اثرگذاری هنر بر حیات آدمی مبالغه‌ها شده است و برخی، به عکس، بر آن اند که این قدرت چنان که باید به‌جَد گرفته نشده. کدام سوی این نزاع برحق است؟ آیا هنر قدرت شناخت‌بخشی دارد؟ بالاتر از آن، آیا هنر می‌تواند شناخت‌هایی به ما ببخشد که از هیچ راه دیگری نمی‌توانیم کسب‌شان کرد؟ درباره‌ی استعداد و قدرت هنر در فریفتن مخاطبان و ایجاد جهل مرکب چه باید گفت؟ آیا، در کمال شگفتی، باید تصدیق کنیم که هنر هر دو قدرت را دارد؟

معرفت‌بخشی و/یا جهل‌افزایی تنها دعاوی معطوف به قدرت هنر نیستند؛ دعاوی اثرگذاری دیگری نیز طرح شده است، از جمله پرورش برخی مهارت‌های ذهنی و روانی. مسئله این است که آیا هنر واقعاً می‌تواند مهارت‌هایی را در آدمیان پیرورد یا نه.

دعوی دیگر در باب قدرت تأثیر هنر بر عواطف آدمی است. در توان هنر در این خصوص تقریباً تا امروز کسی تردید جدی نکرده است؛ آن چه محل مناقشه بوده است میزان و نحوه‌ی این اثرگذاری است. هنر تا چه پایه و مایه می‌تواند در عواطف ما اثر کند و چه عواطفی را در ما بیدار می‌تواند کرد؟

و از همین جا باید پرسید: آیا هنر اولاً و بالذات با وجه احساسی و عاطفی وجود ما سروکار دارد، یا با وجه معرفتی و شناختی وجود ما؟ آیا غرض از هنر آفرینی بالمآل تأثیرگذاری بر ساحت احساسی ما است، یا ساحت معرفتی ما، یا ساحت ارادی ما، و یا ترکیبی از آن‌ها؟

باری، در مجموعه‌ی «هنرشناسی» بنا داریم به مسائل مهمی از این دست بپردازیم و نرم نرمک هم از سویی ادبیات بحث را طرح کنیم و هم از دیگر سو به بررسی مسائل مورد مناقشه دست بجنبانیم. به عبارت دیگر، در این مجموعه آثاری گرد خواهیم آورد که، در وهله‌ی نخست، چهارچوب‌های اصلی حوزه‌های هنرشناسی - و در رأس همه‌ی آن‌ها فلسفه‌ی هنر و/یا زیبایی‌شناسی - را می‌کاوند و، در وهله‌ی بعد، به بازپرسی پاسخ‌های تازه به پرسش‌های همچنان‌گشوده می‌پردازند. با‌دا که چنین باشد.

فهرست

۱	سال‌شمار زندگی هیوم
۳	پیش‌گفتار مترجم
۱۱	در باب لطافت ذوق و انفعال
۱۷	در باب سخن‌وری
۳۳	در باب پیدایی و پیشرفتِ هنرها و علوم
۶۳	در باب سادگی و آراستگی در نگارش
۶۹	در باب تراژدی
۷۹	در باب معیار ذوق
۱۰۳	در باب آراستگی در هنرها
۱۱۷	در باب جستارنگاری
۱۲۳	واژه‌نامه‌ی انگلیسی-فارسی
۱۲۹	واژه‌نامه‌ی فارسی-انگلیسی
۱۳۷	نمایه‌ی اصطلاحات
۱۴۳	نمایه‌ی اشخاص
۱۴۷	نمایه‌ی آثار

سال‌شمار زندگی هیوم

- ۱۷۱۱ تولد دیوید هیوم در ادینبرو
- ۱۷۱۴ به قدرت رسیدن جرج اول
- ۱۷۱۵ شورش ژاکوبینی‌ها
- ۱۷۲۱ آغاز صدارت والپول، نخستین صدراعظم بریتانیای کبیر
- ۱۷۲۳ هیوم وارد دانشگاه ادینبرو می‌شود
- ۱۷۳۴-۷ هیوم حین نگارش رساله در فرانسه زندگی می‌کند، نخست در رنس و آنگاه در لافلش
- ۱۷۳۹-۴۰ رساله‌ای در باب طبیعت بشری منتشر می‌شود
- ۱۷۴۱-۲ نخستین ویراست جستارهای اخلاقی و سیاسی (در ویراست‌های بعدی، تحت عنوان جستارهای اخلاقی، سیاسی، ادبی) منتشر می‌شود
- ۱۷۴۲ پایان صدارت والپول
- ۱۷۴۴-۵ هیوم نمی‌تواند کرسی فلسفه‌ی اخلاق را در ادینبرو به دست آورد
- ۱۷۴۵ هیوم معلم خصوصی مارکی آناندال می‌شود
- ۱۷۴۵ شورش ژاکوبینی‌ها
- ۱۷۴۸ هیوم مشاور ژنرال کلر در مأموریت دیپلماتیک به وین و تورن می‌شود

- ۱۷۴۸ جستارهایی فلسفی در بابِ فهم بشری (بعدها تحت عنوان پژوهشی در باب فهم بشری) منتشر می‌شود
- ۱۷۵۱ پژوهشی در باب اصول اخلاق منتشر می‌شود
- ۱۷۵۲ هیوم نمی‌تواند کرسی فلسفه‌ی اخلاق را در گلاسگو به دست آورد
- ۱۷۵۲ گفتارهای سیاسی منتشر می‌شود
- ۱۷۵۲-۷ هیوم به سمتِ مسئول کتابخانه‌ی ادینبرو منصوب می‌شود
- ۱۷۵۴ تاریخ بریتانیای کبیر، شامل پادشاهی جیمز اول و چارلز اول، منتشر می‌شود
- ۱۷۵۶ تاریخ بریتانیای کبیر، شامل تاریخ فترت انقلاب ۱۶۸۸، منتشر می‌شود
- ۱۷۵۷ تاریخ طبیعی دین منتشر می‌شود
- ۱۷۵۹ تاریخ انگلستان تحت زمامداری خاندان تودور منتشر می‌شود
- ۱۷۶۲ تاریخ انگلستان از حمله‌ی جولیس سزار تا به قدرت رسیدن هنری هفتم منتشر می‌شود
- ۱۷۶۳-۵ هیوم به سمتِ مشاور لرد هرتفورد منصوب می‌شود
- ۱۷۶۷-۸ هیوم به سمتِ مشاور وزیر دولت منصوب می‌شود
- ۱۷۶۹ هیوم به ادینبرو بازمی‌گردد و رحل اقامت می‌افکند
- ۱۷۷۶ مرگِ هیوم

پیش‌گفتار مترجم*

۱

دیوید هیوم، فیلسوف تجربه‌گرای اسکاتلندی، را هم از سویی از اعظم شکاکان تاریخ فلسفه دانسته‌اند و هم از دیگر سواز شریف‌ترین ایشان. باریک‌بینی‌ها و باریک‌اندیشی‌های او ذهن هر جست‌وجوگر تیزچشم اقلیم خرد را بازتر می‌کند و به حیرت و تحسین‌اش وا می‌دارد، و تشکیک‌ها و شبهه‌های ذهن‌سوزش دست و دل هر پوینده‌ی بصیر وادی علم را می‌لرزاند و به تردید و وسواس‌اش درمی‌اندازد. با این همه، فیلسوف ما سخنان ایجابی بسیاری نیز گفته است و کار علمی‌اش را یکسره مصروف نقدها و نفی‌ها نکرده. از جمله، می‌توان به آراء و نظراتش در باب هنر و زیبایی اشاره کرد. اما چنین نبوده است که هیوم آراء زیبایی‌شناختی‌اش را در یک کتاب مستقل نظم و نسق ببخشد و عرضه کند. نظرات او را در این باب باید در جای جای آثارش یافت: مثلاً پاره‌هایی را در رساله‌ای در باب طبیعت بشری^۲، پاره‌هایی را در پژوهشی در باب فهم بشری^۳، پاره‌هایی را در پژوهشی در باب اصول اخلاق^۴، پاره‌هایی را در جستارهای اخلاقی، سیاسی، ادبی^۵، و حتی پاره‌هایی را در نامه‌های او به کسانی چون هاجیسون. و همین امر شاید مهم‌ترین علت باشد برای آن که چرا در محافل علمی و دانشگاهی ما کم‌تر به زیبایی‌شناسی

* در متن این کتاب شیوه‌مقبول مترجم در نگارش رعایت شده است. - ناشر.

2. *A Treatise of Human Nature*

3. *An Enquiry concerning Human Understanding*

4. *An Enquiry concerning the Principles of Morals*

5. *Essays: Moral, Political, Literary*

هیوم - به رغم اهمّیت و نفوذش در تفکر جدید - پرداخته شده؛ بر آن بیفزایید این را که تنها بخشی از آثار یادشده به فارسی برگردانده شده‌اند، آن هم به‌تازگی.

ولی، گذشته از این‌ها، در مجموعه‌ی جستارها هشت جستار مستقل هست که می‌شود گفت کاملاً به آراء زیبایی‌شناختی هیوم معطوف اند و، از قضا، برخی‌شان آوازدی هیوم در زیبایی‌شناسی را رقم زده‌اند. کتابی که پیش‌اروی خواننده‌ی گرامی است برگردان این هشت جستار است. در میان این جستارهای هشت‌گانه، «در باب معیار ذوق» و «در باب تراژدی» بیش از دیگران شناخته‌شده‌اند، اما شش جستار دیگر نیز اهمّیت بسیار دارند و سخت درخور پژوهش و واریسی‌اند؛ خاصّه برای آن پژوهش‌گرانی که مطالعات هنر را منحصر در زیبایی‌شناسی فلسفی نمی‌دانند و به سایر شاخه‌های هنرپژوهی - نظیر نقد هنری، روان‌شناسی هنر، تاریخ اجتماعی هنر، و جامعه‌شناسی هنر - نیز عطف توجّه دارند.

به اجمال هرچه‌تمام‌تر، اهمّ مسائلی که هیوم در جستارهای زیبایی‌شناختی بدان‌ها می‌پردازد، و بنیادین می‌توان در شاخه‌های گوناگون هنرپژوهی ردّ آن‌ها را جست، به قرار زیر‌اند:

۱. ارتباط اخلاق و هنر، نسبت عیب و/یا نقص زیبایی‌شناختی با حسن و/یا قبح اخلاقی، ارتباط اخلاق و مصلحت‌اندیشی و هنر، این‌همانی حسّ اخلاقی و حسّ زیبایی (تقریباً در همه‌ی جستارها، به‌ویژه «در باب تراژدی»، «در باب معیار ذوق»، و «در باب آراستگی در هنرها»);
۲. نسبت هنر با دین («در باب تراژدی»، «در باب معیار ذوق»، «در باب سادگی و آراستگی در نگارش»، و «در باب آراستگی در هنرها»);
۳. نقد هنری (در همه‌ی جستارها);
۴. ذوق: معیارهای ذوق پرورده، ربط ذوق و حسّ زیبایی، فطری یا اکتسابی بودن ذوق و حسّ زیبایی («در باب لطافت ذوق و انفعال»، «در باب سخن‌وری»، «در باب سادگی و آراستگی در نگارش»، و «در باب معیار ذوق»);
۵. زیبایی و زشتی ادبی («در باب تراژدی»، «در باب معیار ذوق»، و «در باب سادگی و آراستگی در نگارش»);

۶. عینی یا ذهنی بودن زیبایی (تقریباً در همه‌ی جستارها به‌ویژه «در باب لطافت ذوق و انفعال»، «در باب تراژدی»، و «در باب معیار ذوق»؛
۷. ارتباط سادگی و تجمل با زیبایی («در باب سادگی و آراستگی در نگارش»، «در باب آراستگی در هنرها»، و «در باب جستارنگاری»؛
۸. انواع زیبایی به لحاظ متعلقات زیبایی («در باب سادگی و آراستگی در نگارش»؛
۹. چیستی هنر («در باب سادگی و آراستگی در نگارش»، «در باب لطافت ذوق و انفعال»، «در باب تراژدی»، و «در باب معیار ذوق».)
۱۰. نسبت علوم و فنون و هنرها («در باب لطافت ذوق و انفعال»، «در باب پیدایی و پیشرفت هنرها و علوم»، و «در باب آراستگی در هنرها»؛
۱۱. ارتباط هنر، زیبایی، زشتی با عواطف مثبت و منفی و احیاناً خنثی (تقریباً در همه‌ی جستارها به‌ویژه «در باب لطافت ذوق و انفعال»، «در باب سخن‌وری»، «در باب تراژدی»، و «در باب معیار ذوق»؛
۱۲. نقش و تأثیر روان‌شناختی صنایع یا آرایه‌های ادبی در کار ادبی («در باب سادگی و آراستگی در نگارش» و «در باب تراژدی»؛
۱۳. فلسفه‌ی تعلیم‌و‌ترتیب: تأکید بر اهمیت آموزش و پرورش علمی و فنی و هنری در کنار هم، تأثیر پروردن ذوق در پالایش روحی و کامروایی («در باب لطافت ذوق و انفعال»، «در باب آراستگی در هنرها»، و «در باب جستارنگاری»؛
۱۴. ارتباط هنر با تحولات اجتماعی («در باب سخن‌وری» و «در باب آراستگی در هنرها»؛
۱۵. هنر و سیاست، تأثیر نظام‌های سیاسی در اوج و حسیض هنرها («در باب سخن‌وری» و «در باب آراستگی در هنرها».)

اما سخنی در باب جستارهای اخلاقی، سیاسی، ادبی، که جستارهای زیبایی‌شناختی از دل آن بیرون آمده. هیوم در طی سه دهه فلسفه‌ورزی خود

چهل‌ونه جستار نوشت، که جملگی در این کتاب گرد آمده‌اند: سی‌ونه جستار در زمان حیات هیوم نشر یافتند و ده جستار واپسین به دلایلی فقط پس از مرگ او بر کتاب افزوده شدند. در جستارها هیوم می‌کوشد فلسفه را به میان مردمان ببرد و هم از این رو است که قالب «جستار» را برمی‌گزیند و نرم نرمک کتاب‌نویسی به سبک و سیاق رساله‌های دانشگاهی را رها می‌کند. طبع نازک و روح بلند او کاملاً مهیای این کار بودند و نثر زیبا و در عین حال شیوایش به‌خوبی می‌توانستند این آرمان را فراچنگ آورند. اقبال شگفت مخاطبان هم‌عصرش به جستارهای او شاهدهی بر این مدعا است. اهمیتی را که هیوم برای جستارها قائل بود بیش از همه از این جا می‌توان فهمید که او هیچ‌کدام از آثارش را به اندازهی جستارها بازخوانی و بانویسی نکرد. طُرفه این که در واپسین روزهای حیات نیز دست در کار بازخوانی آن‌ها داشت.

نخستین ویراست جستارها در ۱۷۴۱ منتشر می‌شود و هفدهمین آن‌ها در ۱۷۷۷، اندکی پس از مرگ هیوم. در این ویراست‌های متعدد، او هم از سوی بر شمار جستارها می‌افزاید و هم از سوی دیگر حکم و اصلاح‌های بسیاری روی آن‌ها صورت می‌دهد. روشن است که نسخه‌ی معیار همان ویراست هفدهم است، که از زیر قلم خود هیوم گذشته. ولی، در ۱۸۷۴، تی. ایچ. گرین^۱ و تی. ایچ. گروس^۲ ویراستی از این نسخه به دست دادند که در آن تفاوت‌های عمده‌ی هفده نسخه‌ی یادشده، در پانویس، منعکس شده بود.^۳ این هفده ویراست از این قرار اند:

- A *Essays, Moral and Political*. Edinburgh, 1741.
- B *Essays, Moral and Political*. Second edition, corrected, Edinburgh, 1742.
- C *Essays, Moral and Political*. Vol. 2. Edinburgh, 1742.
- D *Essays, Moral and Political*. Third edition, corrected with additions; London and Edinburgh, 1748.

1. T. H. Green

2. T. H. Grose

3. Hume, David. *Essays: Moral, Political, and Literary*. ed. T. H. Green and T. H. Grose. London: Longmans, Green, and Co., 1874.

- E *Philosophical Essays concerning Human Understanding*. London, 1748.
- F *Philosophical Essays concerning Human Understanding*. Second edition, with additions and corrections; London, 1751.
- G *An Enquiry Concerning the Principles of Morals*. London, 1751.
- H *Political Discourses*. Edinburgh, 1752.
- I *Political Discourses*. Second edition; Edinburgh, 1752.
- K *Essays and Treatises on Several Subjects*. London and Edinburgh, 1753–54. Four volumes.
- L *Four Dissertations*. London, 1757.
- M *Essays and Treatises on Several Subjects*. London and Edinburgh, 1758. One volume.
- N *Essays and Treatises on Several Subjects*. London and Edinburgh, 1760. Four volumes.
- O *Essays and Treatises on Several Subjects*. London and Edinburgh, 1764. Two volumes.
- P *Essays and Treatises on Several Subjects*. Edinburgh and London, 1768. Two volumes.
- Q *Essays and Treatises on Several Subjects*. London and Edinburgh, 1770. Four volumes.
- R *Essays and Treatises on Several Subjects*. London and Edinburgh, 1777. Two volumes.

و در نهایت، در ۱۹۸۶، یوجین اف. میلر^۱ بر اساس همین نسخه‌ی اخیرِ گرین و گروس تصحیحی انتقادی از جستارها فراهم می‌آورد، که هم از خطاهای راه‌یافته به نسخه‌ی گرین و گروس خالی است و هم حاوی پی‌نوشت‌های توضیحی مفیدی است. تصحیح میلر، از آن زمان تاکنون، بارها و بارها تجدید چاپ شده است و معتبرترین تصحیح از این کتاب است. باری، هشت جستاری که برگردان فارسی‌ای از آن‌ها در کتاب حاضر تحت عنوان جستارهای زیبایی‌شناختی بر خواننده‌ی فارسی‌زبان عرضه می‌شوند از یکی از چاپ‌های این تصحیح اند:

Hume, David. *Essays: Moral, Political and Literary*. ed. F., Miller, Eugene. New York: Cosimo, [1777] 2006.

1. Eugene F. Miller

حال، در باب این ترجمه و برگردان هم باید به نکاتی اشاره کرد. نخست این که خواننده در این ترجمه با دو نوع پانویس مواجه می‌شود: الف) پانویس‌هایی که با علامت‌هایی نظیر ستاره و ... مرتب شده‌اند و، در واقع، ترجمه‌ی پانویس‌هایی‌اند که خود هیوم بر جستارها زده؛ و ب) پانویس‌هایی که به صورت عادی شماره‌بندی شده‌اند. این پانویس‌های افزوده خود بر سه بخش‌اند و، به لحاظ محتوایشان، کاملاً قابل‌تمیز از یکدیگر‌اند: بخشی تفاوت‌های احتمالی موجود در ویراست‌های هفده‌گانه‌ی برشمرده را بازمی‌نمایند و برگرفته از ویراست‌گرین و گروس‌اند، بخشی معادل‌های انگلیسی‌پارهای از اصطلاحات را بر خواننده‌ی فارسی عرضه می‌دارند و طبعاً کار مترجم‌اند، و بخش عمده‌ای هم حاوی توضیحات و ارجاعات لازم برای مخاطب امروز جستارها‌اند که قسمتی از آن‌ها از میلر‌اند، قسمتی از مترجم، و قسمتی هم از کوپلی و ادگار.^۱ چون تفکیک این توضیحات و ارجاعات احتمالاً متن را دشوارخوان می‌کند و توجه خواننده را از اصل متن به حواشی می‌برد، مترجم از آن صرف‌نظر کرد.

نکته‌ی دوم در خصوص سجاوندی است. همه‌ی آشنایان با متون هیوم از این دقیقه‌ی دشوار در متن‌های هیوم آگاه‌اند. سجاوندی یا علامت‌گذاری‌ای که خود هیوم در نوشته‌هایش به کار می‌بسته، برای مخاطبان امروز، غریب و تا حدی رهن است. برای مثال، هیوم دو نقطه (:) را به کزات و مزات در متن به کار می‌برد و در جاهایی از آن استفاده می‌کند که خواننده‌ی امروز را به خطا درمی‌اندازد. نظیر همین سخن، اما به درجات کم‌تر، در باب کاما (،) و حتی نقطه‌وند (!) نیز صادق است. بیشتر ویراستاران انگلیسی و مترجمان آثار هیوم به زبان‌های دیگر، در سده‌ی اخیر، به‌نحوی به این امر تصریح کرده و هر کدام در این باب موضعی اتخاذ کرده‌اند: از حفظ کامل این سجاوندی غریب گرفته تا حک‌واصلاح آن. در این میان، مترجم کوشیده است که فقط به روح این سبک هیوم وفادار بماند و هر

۱. گویا مخاطبان هم‌عصر هیوم نیاز چندانی به این توضیحات و ارجاعات نداشته‌اند، چراکه فارغ از این توضیحات و ارجاعات چنان استقبال باشکوهی از جستارها می‌کردند.

2. Hume, David. *Selected Essays*. (Oxford's World Classic). ed. Stephen Copley and Andrew Edgar. Oxford and New York: Oxford University Press, 1998.

گفتنی است که کوپلی و ادگار این گزیده‌جستارهای هیوم را بر طبق همان نسخه‌ی مولر فراهم آورده‌اند و پانویس‌هایی توضیحی بر آن افزوده‌اند.

جا که قواعد امروزی سجاوندی ایجاب می‌کردند تغییراتی صورت داده است - البته با وسواسی شبیه به آن چه می‌توان از متن خود هیوم استشمام کرد. نکته‌ی سوم در باب شماره‌گذاری بندهای هر جستار است. برای آن که ارجاع‌دهی به این جستارها برای اهل فن ساده‌تر شود، در ترجمه‌ی حاضر بندهای هر جستار به نحو مستقل شماره‌گذاری شده‌اند.

نکته‌ی چهارم به ترجمه بازمی‌گردد. ترجمه‌ی جستارهای زیبایی‌شناختی برای مترجم تجربه‌ی شگرفی بود. از سویی، کمابیش با شاهکاری ادبی سروکار داشت که در عین حال، بی هیچ شک و شبهه، متن فلسفی جان‌دار و پرمایه‌ای بود؛ و از دیگر سو، با فاصله‌ی قریب به سه‌سده‌ای متن با زمانه خودش مواجه بود. بر این‌ها بیفزایید، مسأله‌ی پیش‌گفته‌ی سجاوندی را. باری، تلاش و تقلا در یافتن معنای دقیق کلام هیوم و، در همان حال، حفظ لحن و طرز بیان شیوا و دلنشین او مترجم را به کجاها که نبرد و چه نیش‌ونوش‌هایی که نداد: نیش‌ها در خستگی از گشتن‌ها و نیافتن‌ها، و نوش‌ها در حظ کشف‌کردن‌ها و رسیدن‌ها. چنان که پیش‌تر گذشت، تصحیح میلر مبنای این ترجمه بوده است، اما مترجم برای محکم‌کاری هم که شده ترجمه‌ی فرانسوی این جستارها را نیز در پیش دست قرار داد.^۱ از هر چه بگذریم، همسایگی این دو زبان می‌توانست کمک‌کار باشد و دل مترجم را از باب درستی ترجمه‌اش قرص کند.

۴

مترجم عشق وصف‌ناپذیری به ادبیات و کلام زیبا، از سویی، و فلسفه و ژرف‌کاوی‌های اندیشگی، از دیگر سو، دارد. و چگونه احساس شادی عمقش را از این بخت‌یاری پنهان کند که مترجم دل‌انگیزترین و در عین حال تفکربرانگیزترین نثرهای هیوم در باب هنر و زیبایی شده است!

باری، من این بخت‌یاری را، افزون بر زمین و زمان و چرخ فلک، مرهون

۱. می‌دانیم که کار ادبی برای هیوم ارزش بسیاری داشت: حتی شاید بشود گفت ارزش غایی داشت: «عشق من به شهرت ادبی ... عشق فرمان‌روای زندگی من بوده است». (دیوید هیوم، «زندگی خودم». در: تاریخ طبیعی دین، ترجمه‌ی حمید عنایت. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ چهارم، ۱۳۸۷، ص ۲۶).

2. Hume, David. *Essays esthétiques*. translated by Renée Bouveresse. Flammarion, 2000.

لطف کسان بسیاری ام. پس، در آخر، باید مراتب سپاسم را نسبت به تنی چند از آن بسیار کسان ابراز دارم که در به‌یادداشتن این ترجمه یاری‌ام کرده‌اند: همسر نیک‌سرشت و نیکوروشم، که در یافتن نبض سخن و آهنگ کلام هیوم یاری بسیارم داد و در این راه، به لطف، وسواس مرا در بازخوانی‌های مکرر جملات و عبارات و حتی پاره‌ای کلمات به جان خرید؛ یار برگزیده‌ی سفرکرده به دیار غربت‌ام، دکتر علی وکیلی، که با مهر همیشگی‌اش ترجمه‌ی فرانسوی جستارها را یافت و برایم فرستاد؛ و یگانه‌ی روزگار، استاد مصطفی ملکیان، که دیگر بار لطف را بر من تمام کرد و ترجمه را از نظر گذراند و اشارت‌هایی کرد که باز از تیزبینی و فهم عمیقش از ادبیات و فلسفه در شگفت شدم. کامروایی‌شان هر دم افزون باد!